

پژوهش در تاریخ، سال نهم، شماره ۲۳ و ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸

مراکز تجاری جنوب و غرب دریای خزر از دوره ایلخانی تا عصر صفوی

الهه ابراهیمی^۱
عبدالله همتی گلیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۳

چکیده

مناطق اطراف دریای خزر در طی تاریخ کم و بیش مورد استفاده بازرگانانی بود که در پی تجارت با ساکنان این منطقه یا نواحی مجاور بودند. در دوره مورد بررسی، شاهد گسترش تجارت در این مناطق، بخصوص نواحی جنوبی و غربی دریای خزر، هستیم. عبور راه‌های ارتباطی جنوب به شمال دریای خزر از نواحی مزبور باعث توجه بازرگانان به این مراکز و در نتیجه، رونق و توسعه مبادلات تجاری از طریق دریای خزر و نواحی مجاور شد. ولایات مازندران، گیلان، آذربایجان، شروان و اران بیشترین کاربرد را در امر تجارت داشتند. تولیدات این نواحی، که شامل ابریشم، برنج، پوست، چهارپایان و ... می‌شد، به ولایات هم‌جوار و نیز بلاد اروپایی ارسال می‌شد. همچنین کالاهای تجاری از بلاد هم‌جوار و اروپا به این مناطق صادر و به فروش می‌رسید. با توجه به نقش مهم نواحی مزبور در روند مبادلات تجاری در دوره مورد بررسی، در این پژوهش با شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش مراکز اطراف دریای خزر در امر تجارت، کالاهای مبادلاتی و راه‌های تجاری، که از این نواحی می‌گذشتند، پرداخته خواهد شد. از جمله سؤالاتی که در این پژوهش به آن پاسخ داده خواهد شد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

چه مناطقی در حوزه دریای خزر در امر تجارت دوره مورد بحث تاثیرگذار بودند؟

کالاهای تجاری و راه‌های بازرگانی، که از این ناحیه می‌گذشتند، چه بودند؟

واژه‌های کلیدی: مراکز تجاری، دریای خزر، کالاها، راه‌های بازرگانی

۱. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، Ebrahimi6619@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، hemati@um.ac.ir

۱. مقدمه

تجارت در مناطق اطراف دریای خزر از روزگاران گذشته جریان داشته است و اقوام ساکن اطراف دریای خزر نیز در تجارت با دیگر اقوام مجاور خود فعال بودند. در دوره‌هایی نیز حکمرانان به اهمیت این دریا برای انتقال کالاهای شرق به غرب و بالعکس توجه داشته‌اند و با اعطای تسهیلات به بازرگانان، تجارت را از طریق شریان‌های بزرگ اصلی خشکی و دریا گسترش دادند.

اگرچه با ورود مغولان به ایران بسیاری از ولایات تجاری اطراف دریای خزر ویران شد، اما با این حال با شکل‌گیری دولت ایلخانان و در نتیجه توجه حکمرانان آن به امر تجارت، فعالیت‌های بازرگانی گسترش یافت و مراکز تجاری رونق گذشته خود را بازیافتند. در این دوره کاروان‌های تجاری ایرانی و اروپایی، با عبور از مسیرهای تجاری اطراف دریای خزر، کالاهای مورد نیاز خود را خریداری می‌کردند که این امر در رونق تجارت این نواحی تأثیرگذار بود. بازرگانان قسمتی از ابریشم تولیدی ایران را، که بخش مهمی از آن در نقاط جنوبی و غربی دریای خزر به دست می‌آمد، به شهرهایی چون تبریز و سلطانیه منتقل می‌کردند و کشتی‌های این بازرگانان بین گیلان و مازندران با جزیره نیم‌مردان در رفت و آمد بود (مستوفی بافقی، ۱۳۹۰: ۲۸۳؛ کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ عون اللهی، ۱۳۸۷: ۸۲). کشتی‌های ونیزی و جنوایی در جزیره نیم‌مردان لنگر می‌انداختند و از این نقطه به خرید ابریشم استرآباد می‌پرداختند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

تجارت با دولت‌شهرهای ایتالیایی در این دوره از مسیر شرقی و غربی دریای خزر انجام می‌شد. کالاهای تجاری نواحی جنوبی ایران از طریق عبور از خوارزم و دور زدن دریای خزر به هشترخان و از آنجا به مراکز تجاری ایتالیایی چون کافا و تانا ارسال می‌شدند. دیگر بازرگانان با عبور از نواحی قفقاز، چون اران و شروان، به دادوستد مشغول بودند.

تولیدات نواحی مجاور دریای خزر جایگاه مهمی در بازار تجاری این دوره داشتند. بازرگانان مختلف به منظور دادوستد این محصولات وارد اطراف دریای خزر و قلمرو ایلخانان می‌شدند. از جمله این تولیدات می‌توان از ابریشم، احشام، چوب و ... نام برد.

با روی کار آمدن تیموریان، روند مبادلات از طریق حوزه دریای خزر ادامه یافت اما از آنجایی که تیمور قصد داشت با پایان دادن مسیر تجاری قبیچاق، مسیر نواحی جنوبی دریای خزر را جایگزین آن سازد، مراکز مهم تجاری چون هشترخان را ویران ساخت. به دنبال شکل‌گیری حکومت صفوی در ایران از آغاز قرن شانزدهم میلادی تا قرن هجدهم، اوضاع اقتصادی ایران

از نظر کشاورزی، زندگی شهرنشینی، مناسبات تجاری و ... به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافت. شهرها رونق یافته و مراکز تجاری گذشته اهمیتی بیش از پیش یافتند. در این دوره، بازرگانان خارجی مال‌التجاره‌های خود را از هشترخان، پس از عبور از شهرهای قفقاز، یعنی دربند و شماخی، به بنادر جنوبی دریای خزر منتقل می‌کردند و کالاهایی چون پوست سمور، سنجاب، عاج، خاویار، کتان، گندم، شکر، کاغذ، سلاح گرم، مس و ... را به ایرانیان می‌فروختند.

از دوره ایلخانی با تشکیل حکومتی واحد در ایران، تجارت خارجی و داخلی از طریق دریای خزر و مناطق اطراف آن مورد توجه قرار گرفت. در این دوره، بازرگانان اروپایی همچون دولت-شهرهای ایتالیایی مناسبات تجاری خود را با ایلخانان آغاز کردند و برای این منظور مسیر دریای خزر و راه خشکی نواحی مجاور آن را مورد استفاده قرار دادند. در دوره صفوی نیز بازرگانی از طریق مسیر مزبور همچنان کاربرد داشت. دولت‌های انگلیس و روس، با تشکیل کمپانی‌های تجاری در شمال و جنوب دریای خزر، به دادوستد پرداختند. در دوره مورد بحث، تجارت خارجی و داخلی، از طریق دریای خزر و نواحی جنوبی و غربی آن، چنان رونق یافت که تا پیش از این وجود نداشت. کمپانی‌های بازرگانی، که از سوی اروپاییان مورد حمایت بودند، در گسترش مبادلات این دوره نقش مهمی داشتند. نویسندگان در مقالات دیگری تجار و مبادلات تجاری دوره مورد بحث را مورد مطالعه قرار داده است. از آنجایی که مناطق اطراف دریای خزر دارای موقعیت تجاری مهمی در این دوره بودند، لذا این پژوهش در صدد است تا نقش نواحی مذکور را در روند تجارت این دوره مورد بررسی قرار دهد.

۲. مراکز تجاری

مناطق که در اطراف دریای خزر قرار داشتند محل عبور کاروان‌های تجاری و نیز دادوستد به شمار می‌رفتند (تصویر ۱). علاوه بر این، تولیدات این نواحی سبب جذب بازرگانان ملل مختلف و در نتیجه رونق اقتصادی آن‌ها بود. اگرچه با روی کار آمدن حکومت‌های متعدد، نواحی

اطراف دریای خزر نیز همچون دیگر نواحی ایران دستخوش آشوب و ویرانی می‌شد، ولی باید توجه داشت که موقعیت استراتژیک این شهرها و ولایات خود عاملی برای بهبود اوضاع و به دنبال آن گسترش فعالیت‌های بازرگانی بود. در این بخش به ولایات و مراکز تجاری، که در روند تجارت نقش داشتند، پرداخته خواهد شد.



تصویر ۱: مراکز تجاری^۱

۲-۱. گرگان

گرگان^۲ یا جرجان (هیرکانیا-وهرکان) یکی از ولایات اطراف دریای خزر بود. تجارت با ایالات مجاور چون خراسان، ماوراءالنهر و مناطق ساحلی خزر این ناحیه را مرکزی مهم برای دادوستد تجار ساخته بود. کالاهای تجاری این ناحیه در نوع خود مشهور بودند. از جمله آن‌ها می‌توان به ابریشم اشاره کرد که از روزگاران گذشته تا دوره مورد بحث حجم مهمی از صادرات این ولایت را به خود اختصاص می‌داد.

1. <https://www.google.com/imgres?imgurl=http%3A%2F%2Fh5.ggpht.com.15/10/95>

۲. این منطقه در طی تاریخ دارای حدود جغرافیایی متعددی بوده است. گاه یک ولایت مجزا را شامل می‌شده و گاه با ولایات اطراف یک ایالت واحد را تشکیل می‌داد (معطوفی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

گرگان تا پیش از حمله مغول دارای تجارت پررونقی بود اما حمله مغولان به این ولایت، همچون دیگر نواحی ایران، سبب ویرانی‌های بسیار و رکود کشاورزی و معیشت مردم شد؛ آن چنان که تا سال‌ها بعد خرابه‌های ناشی از تهاجم مغولان بر این ولایات باقی بود (قزوینی، ۱۹۹۸: ۲۸۸-۲۸۹). اما این وضع چندان نپایید و به مرور، اوضاع اقتصادی این منطقه بهبود یافت؛ بازرگانان، از ملل مختلف، در دیگر مراکز تجاری جنوب دریای خزر و گرگان به دادوستد مشغول شدند. از جمله تولیدات گرگان، می‌توان به ابریشم خام و بافته‌های ابریشمی و چوب خلنج^۱ اشاره کرد (همان: ۳۴۹-۳۴۸). در دوره تیموری، این ولایت به تابعیت این حکومت درآمد. اختلافات میان رقیبان خاندان تیموری و همچنین درگیری‌هایی که برای تصاحب گرگان میان ترکمانان قراقوینلو (۸۱۰-۸۷۳ق/۱۴۶۸-۱۴۰۷م) و آق قوینلو (۸۷۲-۹۰۸ق/۱۵۰۲-۱۴۶۷م) رخ می‌داد این منطقه را دچار آشوب می‌کرد؛ اما با وجود این مشکلات و همچنین حملات ازبک‌ها بر این ناحیه، حکومت گرگان تا روی کار آمدن صفویان در دست خاندان تیموری باقی بود. در دوره صفوی، شاه اسماعیل در صدد تسلط بر گرگان برآمد. در راستای این هدف، سپاه قزلباش در سال ۹۱۶ق/۱۵۱۰م وارد استرآباد شد و ازبکان را، که از سال ۹۰۲ق/۱۴۹۶م بر این منطقه مستولی شده بودند، متواری ساخت. پس از آن، حکومت گرگان به یکی از حامیان صفوی واگذار شد (معطوفی، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۱ و ۳۸۴-۳۸۳).

جزیره نیم مردان، واقع در ساحل دریای خزر، یکی از مراکز تجاری ولایت گرگان بود. نیم مردان در عهد ایلخانان کانون روابط تجاری ایران با دشت قبچاق و روسیه بود (اشپولر، ۱۳۶۵: ۴۳۱). کشتی‌های ونیزی و جنوایی نیز در این جزیره لنگر می‌انداختند و از این نقطه، ابریشم استرآباد را می‌خریدند (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). مستوفی، در توصیف این جزیره، چنین می‌آورد: «جزیره‌ای است. مردم بسیار در آنجا ساکنند. کشتی‌ها، که از روس و گیلان و مازندران می‌آیند، در آنجا بیرون می‌آیند و از آنجا سه فرسنگ است تا استرآباد و محصول بسیار از کشتی‌ها دارد (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۶۰).

۱. چوبی است سخت و خوشبو به رنگ‌های مختلف که بهترین نوع آن در کوه‌های طبرستان یافت می‌شد. از این چوب برای ساخت ظروف، ادوات جنگی (تیر و کمان) و نیز دانه‌های تسبیح استفاده می‌شد (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۴۹؛ پادشاه، فرهنگ آندراج، ۱۶۹۳).

جزیره کبودجامه^۱ لنگرگاه کشتی‌هایی بود که از روس و گیلان و مازندران می‌آمدند. کبودجامه در تولید ابریشم مشهور بود اما در نتیجه لشکرکشی‌های تیمور، در پایان قرن هشتم، ویران شد (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۴۱؛ لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۰۱).

۲-۲. مازندران^۲

ولایت طبرستان یا مازندران از دیگر نواحی تجاری مهم حوزه دریای خزر بود. مازندران، تا پیش از هجوم مغولان، دارای اوضاع اقتصادی مناسبی بود اما در جریان حملات هولاکو، شهرهای مهم این ایالت، همچون استرآباد و آمل، ویران و بسیاری از ساکنان این نواحی به عنوان برده به خراسان برده شدند (پطروشفسکی، ۱۳۶۶: ۹). با اقداماتی که از سوی ایلخانان در جهت آبادی شهرها صورت گرفت، به تدریج اوضاع این ولایت رونق یافت. شهر استرآباد و حوالی آن محل قشلاق شاهزادگان ایلخانی شد و به لحاظ تجاری رونق یافت. صفویان، به منظور تسلط کامل بر مازندران، حملات مکرری به این ناحیه داشتند ولی نتوانستند بر آن مستولی شوند. سلطه کامل صفویان بر مازندران در سال ۱۰۰۵ ق/ ۱۵۹۶ م و در زمان حکومت شاه عباس اول صورت گرفت.

۱. بهشهر کنونی

۲. نام این ناحیه را در ابتدا تپورستان (محل سکونت اقوام تپور) می‌خواندند که تا قرن ۲ ق/ ۸ م کاربرد داشته است و با ورود اعراب به ایران، به طبرستان تغییر نام یافت. گفته می‌شود که تبرستان از تبر، به معنی کوه (تبرستان = سرزمین کوهستانی)، گرفته شده است (بارتولد، ۱۳۷۵: ۳۸). برخی نیز چنین بیان کرده‌اند که آنجا سرزمینی بوده پر از درختان انبوه و جز با استفاده از تبر و قطع درختان، امکان ورود به این ناحیه وجود نداشت. به همین دلیل آن را تبرستان، به معنی ناحیه تبر، نام نهاده‌اند (قزوینی، ۱۹۹۸: ۴۷۳). دیگر نامی که بر این ولایت اطلاق شده مازندران است. مؤلفان ایرانی مازندران را در چند معنی بیان کرده‌اند. برخی مازندران را ولایت واقع در داخل کوه‌های ماز، که از سرحدات گیلان تا شهر جاجرم بسط یافته بود، دانسته‌اند. برخی دیگر مازندران را مشتق از ماز دانسته‌اند. ماز دیواری بود که در قرن ۳ ق/ ۹ م توسط مازیاربن قارن، حکمران مازندران، ساخته شده بود (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۱؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۴۰-۲۳۹). اگرچه هر دو نام برای این ولایت استعمال می‌شد اما نام طبرستان بر مناطق کوهستانی و مازندران بر نواحی پست ساحلی، که از دلتای سفیدرود تا جنوب شرقی دریای خزر را شامل بود، اطلاق می‌شده است. معلوم نیست نام مازندران از چه زمانی به جای طبرستان به کار رفته است، اما به نظر می‌رسد که مصادف با حملات مغولان این نام استعمال داشته است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۹۴؛ نوری، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

کالاهای مازندران همچون هیزم، میوه، سنگ سرمه، معادن زر و سیم و انواع پارچه‌ها، چوب خلنج و ... مشهور بودند. محصولات این ولایت، از طریق دریا و خشکی، به نواحی اطراف و نیز سرزمین‌های متعدد ارسال می‌شد. همچنین کالاهای نواحی مختلف همچون قالی، برده و حصیرهای عبادانی به این شهر ارسال و پس از آن به سایر بلاد فرستاده می‌شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۱۰۰؛ قزوینی، ۱۹۹۸: ۴۰۴).

۲-۳. گیلان

ولایت گیلان^۱ یکی از مناطق تجاری مهم ایران است که همواره در طی تاریخ اهمیت بازرگانی خود را حفظ کرده است. گیلان، از دوره ایلخانان تا پایان عصر صفوی، ناحیه‌ای با جایگاه تجاری مهم بود که بازرگانان در این منطقه به تجارت مشغول بودند و تولیدات این ولایت، به ویژه ابریشم، را به مناطق مختلف انتقال می‌دادند.

گیلان تنها ولایتی بود که به دلیل صعب‌العبور بودن و آب و هوای ناملاطیم از هجوم مغولان نجات یافت. مغولان تا زمان الجایتو نتوانستند بر این ولایت دست یابند. در سال ۷۰۶ق/۱۰۳۶م، ایلخانان در صدد تصرف گیلان برآمدند اما نتوانستند به طور کامل بر آن تسلط یابند. آنها تنها به دریافت سالانه بیست هزار دینار خراج اکتفا کردند. این وضع تا پایان دوره حکومت الجایتو ادامه داشت (اشپولر، ۱۳۶۵: ۱۷۱-۱۷۰؛ اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۶۵/۲) و پس از آن بار دیگر حکومت‌های محلی بر سر کار آمدند. در دوره تیموری، خاندان کیا بر گیلان حکومت داشتند تا اینکه تیمور توانست بر گیلان مسلط و گیلانیان را به دادن خراج وادارد. اما

۱. ولایت گیلان از ابتدا تا دوره مورد بررسی به لحاظ نام و محدوده جغرافیایی متغیر بوده است. برخی آن را گیلان نامیده‌اند و علت این نام‌گذاری را اسکان اقوامی به نام گلای یا گل در این منطقه بیان می‌کنند. این ناحیه در قرن‌های ۴ و ۵ق/۱۰ و ۱۱م دیلم نام داشت که علاوه بر گیلان شامل مازندران و گرگان نیز می‌شد. بعدها این مناطق از آن جدا شدند و اسم دیلم کاربرد خود را از دست داد و نام گیلان یا جیلان بر حدود گیلان کنونی به کار رفت (اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۲۳-۲۴). یاقوت بیان می‌کند که آن ولایت را جیلانی و جیلی (گیلانی و گیلی) خوانند و ایرانیان آنجا را گیلان نامند (یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۲۱). مردمان گیل و دیلم با عبور از مسیرهای دریای خزر با خزرها و مناطق ارمنیه روابط تجاری داشتند و از ارمنیه پوست قاقم وارد می‌کردند. همچنین کالاهای تجاری چون قالی و آبگینه‌های بغدادی، انواع دیباج و حصیر از ولایات مختلف غربی و جنوبی وارد بازارهای طبرستان شده و از آنجا به اقصی نقاط دنیا برده می‌شد (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۹۲).

این وضع مدت چندانی دوام نیافت و پس از مرگ تیمور، گیلانیان بار دیگر سر از اطاعت برداشتند و از دادن خراج امتناع کردند (اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۷۲/۲-۶۹). در دوره صفوی گیلان، تا زمان روی کار آمدن شاه عباس، همچنان توسط حکومت‌های مستقل محلی اداره می‌شد (همان، ۱۳۷۲: ۸۰/۲) تا این که در سال ۹۹۹ق/۱۵۸۹م به طور کامل به تصرف صفویان درآمد (فومنی گیلانی، ۱۳۴۹: ۶۸/۱-۶۵؛ حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

یکی از مهم‌ترین محصولات ناحیه گیلان ابریشم بود که در دوره‌های مختلف از اهمیت تجاری بسیاری برخوردار بوده است.^۱ از جمله شهرهای ابریشم‌خیز این ایالت می‌توان به فومن، تولم، رشت و لاهیجان اشاره کرد. در دوره ایلخانی، بازرگانان جنوایی، به منظور خرید ابریشم، در این ناحیه رفت و آمد داشتند. در عصر صفوی نیز با گسترش مناسبات تجاری میان ایران و اروپا، گیلان یکی از عمده‌ترین مناطق دادوستد بازرگانان اروپایی به شمار می‌رفت. در این دوره، بسیاری از نمایندگان کمپانی‌های خارجی، بخصوص کمپانی مسکوی و نیز تجار خرده‌پا، به منظور خرید و فروش ابریشم، وارد گیلان می‌شدند.^۲ در زمان صفویان، لنگرود و رودسر لنگرگاه کشتی‌های گیلان بود (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۷۴). حاصل این منطقه برنج، ابریشم، نارنج، ترنج و میوه‌های گرمسیری بود (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۸۷).

رشت از شهرهای مهم و تجاری ولایت گیلان و مهم‌ترین بازار واردات و صادرات با روسیه بود. موقعیت تجاری رشت تا حد زیادی به تجارت ابریشم وابسته بود؛ چنانکه به اقتضای رشد و رکود ابریشم‌کشی، تجارت آن نیز تغییر می‌کرد. مرغوب‌ترین ابریشم این شهر از نواحی کهدم، تولم، کسیم و سراوان به دست می‌آمد (رابینو، ۱۳۷۴: ۷۰؛ اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۴۸۷/۱). تجار از هند، بخارا، روم و دیگر نقاط، به منظور خرید و فروش ابریشم، به این شهر می‌آمدند و کالاهای خود را به بنادر مختلف دریای خزر، خلیج فارس و دریای مدیترانه منتقل می‌کردند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۳۹-۲۳۸؛ ملگونف، ۱۳۶۴: ۱۶۹؛ رابینو، ۱۳۷۴: ۷۳؛ کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۴۴).

۱. تولید ابریشم در گیلان به اندازه‌ای بود که جواب‌گوی کارخانجات ابریشم‌بافی ایران بود. ساکنان آن از طریق فروش آن ثروت بسیاری به دست آورده بودند (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۴۴).

۲. بازار ابریشم گیلان تا جنگ جهانی دوم رونق بسیار داشت و تجار از مناطق مختلف در این ولایت گرد می‌آمدند (فومنی گیلانی، ۱۳۴۹: ۹؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۱۷۴۵/۵).

آمل یکی دیگر از مراکز مهم تولید ابریشم به شمار می‌رفت. این شهر مرکز تجارت بازرگانان بلغار و سقسیین^۱ بود. تجار از مناطق مختلف چون عراق، شام، خراسان و هندوستان برای خرید کالاهای بلغاری و سقسیینی به آمل می‌آمدند (ابن اسفندیار، ۱۳۸۶: ۹۲). در شهر فریم^۲ نیز هر پانزده روز یک بار بازاری دایر می‌شد و بازرگانان در آنجا کنیز خرید و فروش می‌کردند (خلیفه و حسن‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۲).

۲-۴. آذربایجان

آذربایجان، به عنوان ولایتی در همسایگی گیلان، ارتباط قابل توجهی با نواحی اطراف دریای خزر داشت. شهرهای مهم این ناحیه همچون تبریز، اردبیل و سلطانیه مقصد بسیاری از کالاهای تولیدی نواحی ساحلی خزر و مرکز داد و ستد تجاری بودند که از داخل و خارج ایران به منظور خرید و فروش محصولات ایرانی، چون ابریشم، آمده بودند. در ادامه، به وضعیت هر یک از مراکز مهم آذربایجان پرداخته می‌شود.

شهر تبریز در قرون وسطی مقصد تجاری اروپاییانی بود که قصد رفتن به هندوستان و دیگر سرزمین‌های آسیایی را داشتند (سایکس، بی‌تا: ۳۴). این شهر، با وجود تاخت و تازهای سلجوقیان و اتابکان، یکی از آبادترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای ایران بود. در جریان حملات مغولان به ایران، مردم تبریز، با قبول پرداخت مبالغی، شهر را از خطر ویرانی محفوظ داشتند (یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۴/۲؛ مستوفی بافقی، ۱۳۹۰: ۱۵۴-۱۵۳)؛ در حالی که دیگر شهرهای مهم آن دوره، از جمله بغداد، از غارت مهاجمان در امان نماندند. در دوره حکومت هولاکو، شهر تبریز پایتخت ایلخانان معرفی شد. این امر نیز بر گسترش تجارت در این شهر افزود و آن را به مرکز توجه بازرگانان مختلف، به ویژه ایتالیایی‌ها، بدل ساخت. جز این موارد، باید به موقعیت مناسب این شهر اشاره کرد؛ چرا که شهر تبریز بر سر راه‌های کاروان‌رو آن عصر قرار داشت

۱. قزوینی در توصیف این شهر آورده: «شهری است از شهرهای خزر، آبادان و معمور. اهل این شهر چهل طایفه‌اند از طایفه غز. در آن ولایت، تجار غریب بسیار است... و اهل آن شهر مسلمان و در مذهب ابوحنیفه و شافعی می‌باشند... معامله اهل سقسیین قلع باشد چنانکه در سایر ولایات به مس و طلا و نقره است. گوشت در ولایت ایشان بسیار و ارزان است و گوسفندی را به نیم‌دانگ خرید و فروخت نمایند. و میوه در ولایت ایشان بسیار است» (قزوینی، ۱۹۹۸: ۵۹۹).

۲. شهری واقع در کوهستان‌های شرقی مازندران.

(اشپولر، ۱۳۶۵: ۵۷۰؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۵). درآمدی که شاه ایران از شهر تبریز کسب می‌کرد بسیار بیشتر از درآمد سایر شهرهای آذربایجان بود؛ چنان که در سال ۱۳۴۰/ق ۷۴۰م مالیات تبریز ۸۷۵ تومان بوده که تنها چهار تومان و ۳۴۰۰ دینار کمتر از کل مداخل آذربایجان بوده است (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۷۴-۷۳).

یکی از سیاحان اروپایی، که در دوره آق‌قویونلوها از تبریز دیدن کرده، این شهر را چنین توصیف می‌کند: «شهر بزرگی است و در آن [درخت] عنبر فراوان، اما فکر نمی‌کنم که زیاد پرجمعیت باشد. آذوقه و خواروبار فراوان دارد ولی همه چیز گران است. تبریز دارای بازارهای متعدد است. ابریشم زیادی به کاروانسراهای آن وارد و از آنجا به حلب ارسال می‌شود. اجناس ابریشمی ساخت یزد و پارچه‌های پشمی و سایر اجناس در آنجا فراوان است ولی از جواهرات چیزی نشنیدم» (کنتارینی، ۱۳۴۹: ۳۵).

ساکنان تبریز در بافتن پارچه‌های عبایی، سقلاطون و اطلس مهارت داشته و آنها را به دیگر نواحی صادر می‌کردند (یاقوت، ۱۹۹۵: ۷۰۵/۱). در این شهر، کاروانسراهای بسیاری وجود داشت و تجار و بازرگانان از مناطق مختلف در آنجا مشغول تجارت بودند. ابریشم خام گیلان به تبریز صادر و در آنجا از آن نخ ابریشمی تهیه می‌شد. عوارض گمرکی این شهر این گونه بود که مسیحیان برای ورود هر کالایی ده درصد عوارض می‌پرداختند و مسلمانان پنج درصد. اما اگر تنها از تبریز عبور می‌کردند و در آنجا خرید و فروشی نمی‌داشتند، به نسبت وزن کالای خود، مقداری معین عوارض پرداخت می‌کردند (کاری، ۱۳۴۸: ۲۱؛ باربرو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۸۷).

وقوع جنگ‌های متعدد ایران و عثمانی، که در سال‌های ۹۹۲-۹۹۳ق / ۱۵۸۶-۱۵۸۴م روی داد، سبب ویرانی کشتزارها و بازارهای تبریز و نیز از میان رفتن نیروی کار شهر شد. بسیاری از راه‌های تجاری ایران خراب و رفت و آمد کاروان‌ها مختل شد. در طی درگیری‌های ایران و عثمانی، تبریز میان دو حکومت دست به دست می‌شد که در نتیجه آن، این شهر متحمل خسارات بسیاری شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۴۶/۱؛ کاری، ۱۳۴۸: ۲۲-۲۱؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۸۰).

اردبیل، همچون دیگر شهرهای ایران در جریان حملات هلاکو، متحمل خسارات بسیاری شد اما با شکل‌گیری حکومت ایلخانان، به تدریج رونق یافت و از مراکز تجاری مهم آذربایجان شد. این شهر معبر شهرهای گیلان و شماخی به سوی استانبول و از میر بود. ابریشم گیلان و شماخی، پس از انتقال به این شهر، از طریق مسیرهای زمینی سوریه به این نواحی ارسال

می‌شد. اهمیت این مسیرها بر امیران و حکمرانان این نواحی نیز پوشیده نبود و به منظور تسهیل روند رفت و آمد کاروان‌ها، در مسیرهای بین راهی منزلگاه‌هایی ایجاد شد؛ چنان که از عهد صفویه، کاروانسراهای شاه عباسی در نقاط صعب‌العبور ساخته شدند (صفری، ۱۳۷۰: ۱۱۷/۱ و ۴۷۱/۱).

شهر سلطانیه نیز، که در ابتدا به دور از مسیرهای تجاری قرار داشت، به مرور چنان رونقی یافت که راه‌های تجاری را به سوی خود جذب کرد و جایگزین شهر تجاری تبریز شد. مروراید و سنگ‌های با ارزش هرمز و چین، ابریشم گیلان و شماخی و دیگر محصولات نواحی مختلف وارد سلطانیه و سپس توسط تجار ایرانی و ایتالیایی به عثمانی و اروپا صادر می‌شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸-۱۶۹؛ رضوی، ۱۳۸۸: ۱۷۸ و ۱۸۰؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۸۲؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۱۸).

سلطانیه، در عهد تیموری، از شهر تبریز کم‌جمعیت‌تر ولی بازار تجارت آن از این شهر مهم‌تر بود. در فصل تابستان هر سال، بازاری در این شهر برپا می‌شد و با ورود کاروان‌های تجاری از داخل و خارج از ایران به این شهر، بازار داد و ستد رونق می‌یافت. در اوایل عهد صفوی، شهر سلطانیه پس از تبریز به دومین شهر بزرگ ایران تبدیل شد. پس از آنکه پایتخت صفویان به قزوین و اصفهان منتقل شد، تبریز جایگاه خود را همچنان حفظ کرد اما سلطانیه تحت الشعاع تبریز و اصفهان قرار گرفت و به تدریج رونق گذشته خود را از دست داد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۹).

از جمله دیگر مراکز مهم تجاری در ایالت آذربایجان می‌توان به محمودآباد اشاره کرد. محمودآباد، ناحیه‌ای بر کرانه دریای خزر، از بخش نمین شهرستان اردبیل و در دوازده کیلومتری راه شوسه آستارا به اردبیل، در عهد صفویان شهری پررونق و لنگرگاه کشتی‌هایی بود که از مازندران و دیگر نواحی اطراف دریای خزر قصد ورود به تبریز، شماخی و سایر ولایات ایران را داشتند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۹۰).

۲-۵. شروان

شروان یکی از ایالات ناحیه قفقاز بود که باروی کار آمدن ایلخانان به تابعیت آنان درآمد. حملات مغولان بر این ناحیه نیز اثر گذاشت و ویرانی‌های بسیاری را به دنبال داشت. اما به دنبال گسترش تجارت در سال‌های بعد، این منطقه نیز رونق یافت و منابع به رفت و آمد بازرگانان به نواحی مختلف این ولایت و گسترش تجارت در آنها اشاره دارند. در دوره تیموری، حاکمان

محلّی شروان به تابعیت درآمدند. در سال‌های بعد از آن، این ولایت تحت تسلط قراقویونلوها درآمد و چنان که آمده، در این دوره اقدامات عمرانی، چون ساخت کاروانسراهایی در مسیرهای بازرگانی شروان، انجام شد. با قدرت‌یابی صفویان و روی کار آمدن شاه اسماعیل، او با شکست فرخ یسار شروانشاه بر این ناحیه دست یافت (حسین زاده شانه چی، ۱۳۹۳: ۳۸۵-۳۸۴).

عوامل مختلفی، چون حملات اقوام ساکن قفقاز به شروان، سبب ویرانی و رکود تجارت آن می‌شد. چنان که در دوره شاه عباس سوم (۱۱۴۴-۱۱۴۹ ق/ ۱۷۳۱-۱۷۳۶ م) لزگی‌ها سر به عصیان برداشته، به ایالت شروان تاختند و آنجا را غارت کردند. شاه عباس بسیاری از شورشیان را سرکوب کرد. به دستور وی، شهر شماخی ویران شد، قلعه‌ای در آقسو، در هشت فرسخی شیروان، ساخته شد و مردم شماخی به آنجا کوچانده شدند (مستوفی، ۱۳۷۵: ۱۶۵-۱۶۴). حملات لزگی‌ها به ایالت شروان در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. در نتیجه قتل و غارت آن‌ها، شروان از فقیرترین ولایات ایران شد (دوسرسو، ۱۳۶۴: ۱۶۱ و ۱۶۶). همچنین مال‌التجاره‌های بازرگانان مختلف، همچون تجار روس، غارت شدند (نوایی، ۱۳۶۳: ۵۵؛ اسناد مربوط به روابط ایران با منطقه قفقاز، ۱۳۶۹: ۷). این امر خود دلیلی برای آغاز تهاجمات روس‌ها به مناطق شمالی ایران شد.

در سال‌های پایانی حکومت صفوی، ناحیه شروان بارها میان صفویان، عثمانی و روس‌ها دست به دست شد که این امر نیز خرابی و ویرانی‌هایی را به دنبال داشت (نوایی، ۱۳۶۳: ۳۷؛ اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، ۱۳۶۹: ۸). پس از آن بر اساس قراردادی که در سال ۱۱۳۶ ق/ ۱۷۲۴ م میان روس‌ها و دولت عثمانی منعقد شد، تسلط عثمانی‌ها بر شروان به رسمیت شناخته شد (شاو، ۱۳۷۰: ۴۱۲/۱ و ۴۱۹؛ لاکهارت، ۱۳۸۳: ۲۲۷؛ مینورسکی، ۱۳۸۷: ۳۰۴-۳۰۳) و تاروی کار آمدن نادر همچنان در تصرف آنان باقی ماند.

شهر دربند یکی از شهرهای ایالت شروان و در ساحل غربی دریای خزر واقع بود. این شهر از جمله مراکز تجاری مهم در دوره‌های مورد بحث بود. این شهر از جمله انبارهای محصولات ابریشمی گیلان و توقف‌گاه کاروان‌های تجاری بود که از گرگان، طبرستان، گیلان و دیگر مناطق می‌آمدند (مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۴۱؛ باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۲۱). دربند همچنین یکی از مراکز تجاری مهم در برقراری ارتباط بازرگانی ساکنان داغستان با گرجی‌ها بود. ساکنان داغستان ابزارآلات کشاورزی وارد و صنایع دستی چون چکمه، گلیم، تفنگ و ... به گرجستان صادر می‌کردند. کشتی‌هایی که عازم هشترخان بودند، در فصل زمستان بر کرانه دربند، لنگر

می‌انداختند (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۵۶، علی‌اف و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۰۱). ولی این شهر از سال ۸۸۰ ق/ ۱۴۷۵ م موقعیت تجاری گذشته را از دست داد که این امر را تا حدودی می‌توان به دلیل رونق بندر باکو دانست که در این عصر به صورت لنگرگاه اصلی دریای خزر در آمد (بارتولد، ۱۳۷۵: ۹۶). اما با این حال دربند، به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجاری غرب دریای خزر، همچنان در امر مبادلات داخلی و خارجی ایران نقش داشت و یکی از تولیدکنندگان محصولاتی چون بافته‌های ابریشمی، روناس، زعفران، برده، پوست، ماهی و ... بود که به بلاد مختلف صادر می‌شدند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۹۴؛ مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۴۱ و ۲۴۶).

شاه عباس صفوی، پس از آن که در سال ۱۰۱۵ ق/ ۱۶۰۶ م دربند را از عثمانی‌ها باز پس گرفت، دستور ساخت برج سنگی بلندی در وسط دریا و متصل به دیوارهای متصل به خشکی را داد. هدف از ساخت این بنا آن بود تا از دور زدن کشتی‌ها از محل‌های کم‌عمق دریا جلوگیری شود؛ چرا که برخی تجار با این روش از دادن عوارض خودداری می‌کردند (بارتولد، ۱۳۷۵: ۱۷۰).

شماخی از دیگر شهرهای مهم و تجاری و مرکز ایالت شروان بود. روند تجارت شماخی با گسترش مناسبات تجاری آذربایجان و روس در نیمه دوم قرن ۹ ق/ ۱۵ م و با ورود تاجران اروپایی به این شهر از راه روسیه- هسترخان- دربند- باکو رونق یافت (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۸۴). کاروان-های تجاری خوارزم و آسیای مرکزی نیز با ورود به این شهر به دادوستد با بازرگانان ونیزی و جنوایی می‌پرداختند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۸).

شهر شماخی یکی از مراکز مهم بافت پارچه‌های نخی و ابریشمی بود. ابریشم آن به سلطانیه صادر و از آنجا به سایر نواحی ارسال می‌شد (کلایخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸). سیاحان اروپایی، که در عصر ایلخانی به این شهر سفر داشته‌اند، این شهر را از تبریز بهتر دانسته و بیان می‌کنند که همه نوع وسایل زندگی در این شهر به وفور یافت می‌شده است. پارچه‌های ابریشمی به نام تالامانا^۱ و منسوجات دیگری چون اطلس از جمله تولیدات این شهر به شمار می‌رفتند (کنتارینی، ۱۳۴۹: ۶۲).

شماخی در عصر صفوی دارای دو محل مهم جهت خرید و فروش تجار خارجی بود: نخست کاوان‌سرای شاه، که روس‌ها در آن به دادوستد مال‌التجاره‌های خود همچون پوست،

مس، چرم، فلزات و ... مشغول بودند و دیگری کاروانسرای لزگی که محل رفت و آمد چرکس‌ها بوده و آنان در این محل به تجارت اسب، برده و ... می‌پرداختند (اولناریوس، ۱۳۸۵: ۸۷؛ ملگونف، ۱۳۶۴: ۲۹۳؛ بارباروو و دیگران، ۱۳۴۹: ۹۶).

۲-۶. اران

این منطقه یکی دیگر از ولایات قفقاز بود که در مسیر تجاری قرار داشته و خود یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری بوده است. اران گاه تحت تابعیت شروانشاهان و گاه زیر نفوذ فرمانروایان آذربایجان قرار می‌گرفت. با یورش مغولان به ایران و تصرف نواحی قفقاز، این ولایت نیز به تصرف مغولان درآمد. اران از این دوره تا آغاز جنگ‌های ایران و روس یکی از ولایات بازرگانی بود. در جریان درگیری‌های میان ایلخانان با اردوی زرین و صفویان با روس‌ها، این ولایت همچون دیگر ولایات قفقاز دچار خرابی شد تا آنکه با تسلط روس‌ها بر قفقاز این ناحیه به تابعیت آنان درآمد (رضا، ۱۳۷۵: ۴۲۴-۴۲۳).

برده، از سده ششم میلادی، شهر مهم ایالت اران بود که این امر در نتیجه رشد تجارت از طریق دریای خزر و پیشرفت کشتیرانی در این دوره بوده است (بارتولد، ۱۳۷۵: ۱۶۵). این شهر کرسی اران بود که به دلیل قرارگرفتن بر سر راه‌های تجاری قفقاز و راه قدیمی آذربایجان که، از اردبیل به ورثان^۱ و از آنجا به برده ختم می‌شد، به یکی از مراکز تجاری مهم شمال غربی دریای خزر مبدل شده بود (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۳۴). مهم‌ترین تولیدات برده ابریشم بود که از این ناحیه به اروپا صادر می‌شد. همچنین ماهی صیدشده در اینجا، چون شورماهی، را پس از نمک‌سود کردن به مناطق اطراف صادر می‌کردند (قزویی، ۱۹۹۸: ۴۹۳؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ۳۷۹/۱). شهر هشترخان در مصب ولگا و از جمله شهرهای بااهمیت و استراتژیک شمال دریای خزر بود. کاروان‌های تجاری از خوارزم، آسیای مرکزی، چین و هند وارد این شهر می‌شدند و در آنجا به دادوستد با تجار ونیزی و جنوایی می‌پرداختند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۸). برخی از محصولات هشترخان همچون ابریشم و نمک اهمیت تجاری بسیاری داشتند. تا پیش از خراب شدن هشترخان که به دنبال حملات تیمور به مناطق اطراف دریای خزر صورت گرفت، ابریشم ایران از این نقطه به اروپا منتقل و شیشه‌های زیبا و مهره‌های شیشه‌ای ونیز نیز به ایران وارد

می‌شد (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۴۳-۴۲؛ سیمونز، ۱۳۶۲: ۶۳). روس‌ها بخش اعظم ابریشم این ناحیه را به خارج صادر می‌کردند (کنتارینی، ۱۳۴۹: ۷۰؛ تکتاندر، ۱۳۵۱: ۴۰). با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که هشرخان نقش مهمی در تجارت دوره ایلخانان تا عصر صفوی داشته است. در همه این دوره‌ها، هشرخان شهری تجاری و مهم و نقطه تلاقی مناطق جنوب و شمال دریای خزر بوده است. تجار اروپایی با استقرار در این شهر به دادوستد می‌پرداختند و کالاهای ایرانی و شرقی از این نقطه و از مسیر رودهای ولگا و دن به پایگاه‌های تجاری اروپاییان در سواحل دریای سیاه ارسال و سپس به مناطق مختلف اروپا برده می‌شد.

۳. کالاهای تجاری

مناسبات تجاری در دوره مورد بحث بر پایه دادوستد کالاهای مختلفی صورت می‌گرفت. در این میان، برخی از آن‌ها بخش قابل توجهی از مبادلات تجاری را شامل می‌شدند. کالاهای مبادلاتی این دوره ابریشم، برنج، پوست، چهارپایان، مروارید هرمز، فیروزه، انواع رنگ‌های طبیعی و ... را در برمی‌گرفت که بیشتر از نواحی فرح آباد، شماخی، گنجه، شکی، تبریز، گیلان و اردبیل ارسال می‌شدند. در این بخش به تجارت برخی از این کالاها، که بیشترین حجم صادرات و واردات را به خود اختصاص داده بودند، پرداخته می‌شود.

۳-۱. ابریشم

پرورش کرم ابریشم از روزگاران کهن دارای اهمیت بسیاری بوده است. وضعیت جغرافیایی و اقلیمی ایران نیز زمینه مساعدی را برای تولید و تجارت ابریشم فراهم می‌ساخت. تجارت ابریشم از ابتدای قرن اول میلادی در ایران رواج داشته است. با این همه، از مقدار ابریشم ایران در آن روزگار و تجارت آن تا قرن ۲ ق/ ۸م اطلاعات دقیقی در دست نیست. منابع موجود تنها به تربیت کرم موغان از این تاریخ به بعد اشاره دارند. در طول چهار قرن نخست هجری، صنعت بافندگی در ایران، با وجود مرغوبیتی که داشت، پیشرفت چندانی نداشت. در قرن ۵-۸ ق/ ۱۱-۱۴م پس از آشنایی با صنعت بافندگی چین و حمایت حکومت‌های وقت، این صنعت در ایران فرصت رشد یافت (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۹۲؛ اخوی، ۱۳۶۹: ۶). در این دوره، مناطق اطراف دریای خزر چون جرجان، کبودجامه و استرآباد در ناحیه مازندران، تولم، رشت،

فومن و لاهیجان در گیلان و شماخی، بردعه، بیلقان در ایالت شیروان و مناطق مرکزی چون یزد، کاشان، فارس، مرو و نیشابور نقش مهمی در تولید ابریشم داشتند (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۵۴-۳۵۳).

تجارت منسوجات ابریشمی و ابریشم خام ایران در دوره ایلخانان جایگاه مهمی در بازارهای دنیا به دست آورد. تولید ابریشم در ایران سبب پیدایش حرفه‌های گوناگون شد و انواع کارگاه‌های بافندگی در شهرهای مختلف پدیدار گردید. در اواخر سده ۷ ق/۱۳ م، بافندگی در ایران رونق یافت تا جایی که موجب رقابت میان خان‌های اردوی زرین و ایلخانان شد. از جمله مراکز مهم این دوره تبریز بود. به منظور رشد فعالیت‌های بافندگی در این شهر، صنعت‌گرانی از انطاکیه و قبرس برای کار در کارگاه‌های ربیع رشیدی به تبریز آورده شدند (پطروشفسکی، ۱۳۹۰: ۴۷۸/۵-۴۷۷؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۵۷).

در عهد تیموری نیز روند گسترش تولید و تجارت ابریشم ادامه یافت. گیلان و مازندران در این دوره یکی از مهم‌ترین مراکز تولید و صادرات ابریشم بودند. تولید ابریشم در مازندران در حدی بود که در سال ۸۲۲ ق/۱۴۱۹ م چهل خروار ابریشم سرخ و سفید، هر خروار چهل من، به عنوان خراج این ایالت به خزانه شاه‌رخ پرداخت و ده خروار نیز برای امرای دولت ارسال شد (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۷۳؛ طاهری، ۱۳۴۷: ۱۳). تا پیش از خراب شدن هسترخان توسط تیمور، ابریشم ایران از این نقطه به تانا، آزوف و شهرهای سواحل کریمه و از آنجا به اروپا منتقل می‌شد. از طریق خشکی نیز ابریشم پس از انتقال به سلطانیه، به دمشق و دیگر قسمت‌های سوریه، عثمانی و کفه^۱ صادر می‌شد. هر بار ابریشم صادراتی ایران در فلورانس به قیمت ۷۰ تا ۸۰ دوکا فروخته می‌شد. به طور معمول در هر سال، شش کاروان ابریشم از ایران به بورسا می‌رفتند که هر کدام از آن‌ها حدود ۱۲۰ تن ابریشم خام به بورسا منتقل می‌کرد (کلایخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ اینالچق، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۰۸).

صفویان به تجارت ابریشم، به عنوان مهم‌ترین منبع نقدی، توجه بسیاری داشتند که این امر سبب شد، در دوره حکومت شاه عباس، تجارت ابریشم مختص دولت صفوی شود. این انحصار نه تنها ابریشم بلکه برخی کالاهای دیگر همچون فیروزه و مروارید را نیز شامل می‌شد. از نظر اقتصادی به منظور برقراری موازنه تجاری با دولت‌های اروپایی، صادرات ابریشم امری

۱. Kafa. بندر فیودوسیای کنونی بر کناره دریای سیاه (کراچکوفسکی، ۱۳۸۴: ۳۳۲).

مهم و ضروری تلقی می‌شد؛ چرا که به دلیل افزایش حجم واردات بر صادرات، ارزش مقدار سرمایه‌های نقدی کاهش یافته بود. بنابراین در نتیجه افزایش صادرات ابریشم و به دنبال آن ورود مسکوکات و فلزات خارجی، اوضاع اقتصادی بهبود یافت (سیوری، ۱۳۹۰: ۱۹۹-۱۹۸؛ فلسفی، ۱۳۵۳: ۱۴).

بنا بر آنچه که سفرای خارجی بیان داشته‌اند، در زمان حکومت شاه صفی، گیلان در حدود هشت هزار، شروان سه هزار، خراسان سه هزار، مازندران دو هزار و قراباغ^۱ دو هزار عدل ابریشم صادر می‌کردند. مجموع ابریشم ایران در سال حدود بیست هزار عدل بود که هر عدل ۳۶ من وزن داشت (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۶۲/۵). بافت انواع پارچه‌های ابریشمی نیز در عصر صفوی رونق داشت. مهمترین مراکز بافندگی در این دوره شهرهای تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه و شروان بودند. در عهد صفوی تبریز و شماخی مراکز مهم تجارت ایران با روسیه بود و پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی تبریز به روسیه صادر می‌شد. در سال‌های ۱۰۹۲-۱۰۸۵ ق/ ۱۶۸۱-۱۶۷۵ م، مقدار چهار هزار و پانصد پود انواع مختلف ابریشم رنگی از فرح‌آباد، شماخی، گنجه و تبریز به هشترخان صادر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۴/۲؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۷۲).

ابریشم ایران انواع مختلفی داشت. مرغوب‌ترین و بهترین آن‌ها ابریشم میلانی بود که گران‌قیمت و مقدار آن نیز محدود بود. انواع دیگر آن، ابریشم شعرافی یا ابریشم زربفت، ابریشم لاجی، ابریشم شروانی و ابریشم لاس بودند که این گونه‌ی اخیر نامرغوب‌ترین نوع ابریشم بوده است (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۷۴۵/۵).

۲-۳. برنج

برنج از دیگر کالاهای تجاری بود که بیشتر از ولایات جنوبی و غربی دریای خزر به دست می‌آمد. از جمله مراکز تولید برنج در جنوب این دریا می‌توان به گیلان و مازندران اشاره کرد. گیلان دارای خاک مناسب برای تولید برنج بود. در نواحی ای چون منطقه دلتایی سفیدرود، این محصول کشت و از آب این رود برای آبیاری شالیزارها استفاده می‌شد. اگرچه عمده تولید

۱. واقع در غرب دریای خزر و ولایت اران که از شمال محدود به کوه‌های قفقاز، از غرب به کوه‌های قراباغ و از شرق و شمال شرق به دشت‌های وسیع و حاصل‌خیز منطقه بود.

گیلان ابریشم بود، کشت و کار برنج نیز در این ولایت سودآور بود (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۴۴؛ رابینو، ۱۳۷۴: ۳۳۸؛ اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۱۶۶/۱). مازندران نیز از شرایط آب و هوایی مناسب برای کشت برنج برخوردار بود و در دره‌ها و زمین‌های پست آن، که دارای خاک حاصل‌خیز بود، بهترین نوع برنج تولید می‌شد (کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۳۴۵). برنج تولیدی این مناطق به نواحی مختلفی چون اردبیل، تبریز و اصفهان^۱ صادر می‌شد و در آنجا به فروش می‌رسید (عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۷۱؛ صفری، ۱۳۷۰: ۶۵/۱). همچنین نواحی شروان و ایروان نیز دارای شالیزار بودند^۲ و از جریان رودهای این مناطق برای آبیاری زمین‌ها استفاده می‌شد (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۳۰۶؛ کارری، ۱۳۴۸: ۷؛ اولناریوس، ۱۳۸۵: ۴۲).

در دوره مورد بحث، روس‌ها از مهم‌ترین خریداران برنج ایران بودند که آن را از نواحی اطراف دریای خزر، همچون شماخی، به هشترخان و سپس روسیه ارسال می‌کردند (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۵۷؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۸۹۹/۲؛ لاکهارت، ۱۳۸۳: ۴۹).

۳-۳. چهارپایان

تجارت چهارپایان از روزگاران گذشته میان تجار ایرانی و بازرگانان سرزمین‌های اطراف دریای خزر انجام می‌شده است. از جمله چهارپایانی که در منابع به تجارت آن‌ها پرداخته شده، می‌توان گوسفند و اسب را نام برد. در عصر ایلخانی، گوسفند از گرگان، طبرستان و شروان به نواحی اطراف دریای خزر صادر می‌شد و بنادر تجاری دربند و کوتم مراکز معامله این کالا بودند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۹۹؛ اشیپولر، ۱۳۶۵: ۴۳۵-۴۳۴).

در عصر صفوی نیز همچنان تجارت این چهارپایان ادامه داشته است. در کنار بازار شهر شماخی، دو محل خرید و فروش با دالان و حجره‌های مجزا وجود داشت که بازرگانان خارجی اجناس خود را در آنجا به طور عمده معامله می‌کردند. یکی از این مراکز تجاری، کاروانسرای

۱. در اصفهان کاروانسرای به نام کاروانسرای برنج‌فروشان وجود داشت که خرید و فروش برنج در آنجا انجام می‌شد. همچنین در کاروانسرای محمودبیگ این شهر به دادوستد برنج وارداتی از مازندران می‌پرداختند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۴۱۹/۴ و ۱۹۰۲/۵).

۲. کلاویخو در مسیر رفتن از تبریز به قراباغ بیان می‌کند که تولید برنج در این نواحی به حدی است که به اسب‌ها می‌خوراند (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۳۰۷).

لزگی بود که در آنجا چرخس‌ها رفت و آمد داشتند و به خرید و فروش اسب می‌پرداختند (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۳/۲؛ اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۸۸).

برخی منابع به واردات اسب و شتر به ایران اشاره کرده‌اند. در این منابع آمده است که اسب و شتر از قلمرو اردوی زرین وارد ایران می‌شد و هر شتری به قیمت بیست دوکا^۱ به فروش می‌رسید (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۳۳-۳۴؛ باستانی‌پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۳۱). علاوه بر چهارپایان، پوست آن‌ها نیز، به ویژه پوست گوسفند، به روسیه صادر می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۹۰۴/۲).

۳-۴. پوست

پوست یکی از کالاهای عمده تجاری بوده که از دوره ایلخانی تا عصر صفوی به داد و ستد آن پرداخته می‌شد. از انواع آن می‌توان به پوست سمور، سنجاب، خز و ... اشاره کرد. پوست سمور از قرون وسطی یک کالای وارداتی پرتقاضا از آسیای مرکزی و روسیه بود که در دوره مورد بحث نیز بسیاری از منابع به واردات این کالا به ایران اشاره کرده‌اند (تکتاندر، ۱۳۵۱: ۴۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۱۳۶؛ شیمل، ۱۳۸۶: ۲۰۶؛ باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۱۵۷). تجار روس به منظور صدور پوست به ایران می‌آمدند و در شهر شماخی به خرید و فروش پوست سمور در کاروانسرای شاه مشغول می‌شدند (اولتاریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

پوست خز و سمور در ایران مورد استقبال ثروتمندان و امیران بود و از آن برای تزئینات یقه و سرآستین لباس‌ها استفاده می‌کردند. پوست سمور به قدری باارزش بود که فرستادگان روس گاه به رسم احترام آن را به عنوان هدیه پیشکش می‌کردند؛ چنان که در سال ۱۰۰۳ ق/ ۱۵۹۳ م، ایلچیان از روسیه به ایران آمدند و یک دست شونقار^۲ و بیست جامه سمور به شاه صفوی هدیه دادند (کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۴۶؛ اسکندربیک ترکمان، ۱۳۱۷: ۱۸۸؛ مینورسکی، ۱۳۷۵: ۲۸۶؛ شاردن، ۱۳۷۲: ۶۴۱/۲).

۱. دوکا از مسکوکات طلای هلندی است. در دوره شاه طهماسب، هر دوکا پنج بیستی یا شش شاهی ارزش داشته است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۵۰).

۲. شونقار یا شنقار یکی از گونه‌های باز است که در شکار بسیار چابک است (واله اصفهانی، ۱۳۸۲: ۷۲۲).

۳-۵. چوب

چوب یکی از کالاهایی بود که از مناطق اطراف دریای خزر به نواحی داخلی ایران و نیز خارج از کشور صادر می‌شد. مناطق شمالی ایران چون گیلان و مازندران، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، تولیدکننده اصلی این کالا بودند. از چوب به منظور ساخت منازل و در صنایع گوناگون از جمله ساخت ادوات جنگی استفاده می‌شد. در این زمینه می‌توان به ارسال چوب از گیلان به اردبیل اشاره کرد. در این دوره، اردبیل فاقد چوب و تخته برای ساختمان‌سازی بود؛ به همین دلیل، ساکنان این شهر چوب مورد نیاز خود را از گیلان وارد می‌کردند. در مازندران، چوب خلنج به دست می‌آمد که از آن برای ساخت ظروف چوبی استفاده می‌شد. ظروف ساخت این شهر را به ری، مرکز صنایع چوبی عهد ایلخانی، منتقل و در آنجا پس از صاف کردن و نقاشی ظروف، آن‌ها را به دیگر ولایات و سرزمین‌ها صادر می‌کردند (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۴۹ و ۴۰۴؛ یاقوت، ۱۹۹۵: ۱۴۶/۱؛ اولناریوس، ۱۳۸۵: ۱۲۱؛ اشپولر، ۱۳۶۵: ۴۳۵).

۴. راه‌های تجاری

تجارت در این دوره از طرق مختلفی صورت می‌گرفت که نواحی اطراف دریای خزر را به یکدیگر متصل می‌ساخت. بازرگانان با رفت و آمد به مراکز تجاری متعددی که در این نواحی وجود داشت به داد و ستد کالاهای گوناگون می‌پرداختند.

مسیر تجاری شروان و آذربایجان، که از طریق عبور از گذرگاه دربند انجام می‌شد، در عصر ایلخانی و تیموری کاربرد داشت. کالاهای نواحی گیلان و مازندران، پس از ارسال به شهرهای آذربایجان، از طریق چند شاخه به نواحی شمالی دریای خزر ارسال می‌شد (فرانک و براونستون، ۱۳۷۶: ۳۱۲-۳۱۴؛ زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۳۴). مسیری از اردبیل به پيله‌سوار^۱، محمودآباد، شماخی و دربند می‌رفت. راه دیگر لنکران، بردعه، گنجه، شمکور و تفلیس بود. از بردعه نیز مسیری وارد دربند شده و از آنجا، از طریق دریای خزر، به هشترخان^۲ می‌رسید. سپس از طریق

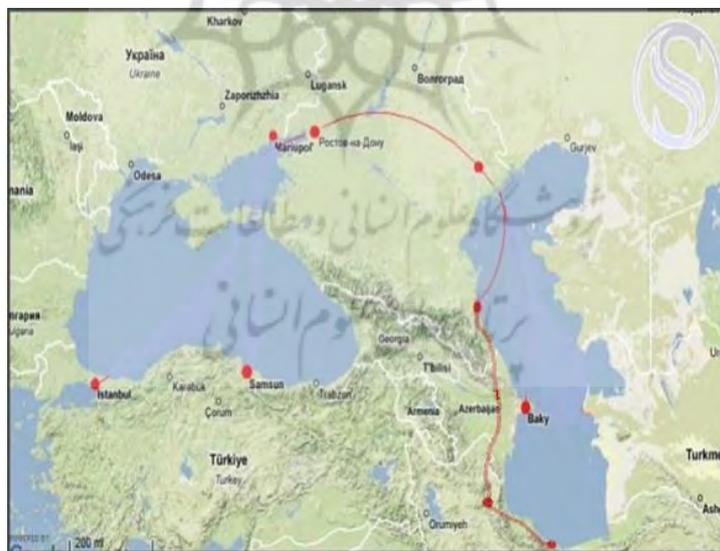
۱. شهری در استان اردبیل.

۲. هشترخان/حاجی‌طرخان/آستراخان، شهری در مصب رود ولگا واقع در شمال دریای خزر.

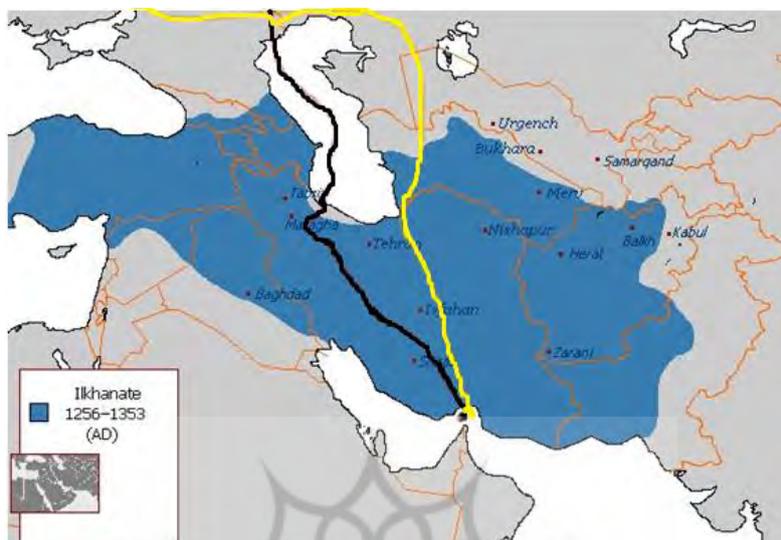
رودهای ولگا و دن (تصویر ۲) به بنادر تجاری دریای سیاه، مدیترانه و ... انتقال می‌یافت (اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، ۱۳۵۲: ۳۳-۳۲؛ عون‌اللهی، ۱۳۸۷: ۷۰؛ زارع شاهمرسی، ۱۳۸۷: ۳۴).

نواحی اطراف دریای خزر از طریق مسیرهای متعددی به مناطق داخلی و شرقی ایران متصل می‌شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷۵). کالاهای هندی و اروپایی، که در بندر هرمز بارگیری می‌شدند، از راه خشکی به کرمان، گرگان، خوارزم، سرای، هشترخان و آنگاه به بنادر دریای سیاه و مدیترانه (مرکز تجارت ونیزی‌ها و جنوایی‌ها) انتقال می‌یافتند (تصویر ۳). همچنین کالاهای جنوب ایران از هرمز به سلطانیه وارد و از آنجا به گیلان و بعد روسیه صادر می‌شد (اقبال، ۱۳۸۸: ۵۶۹؛ کلاویخو، ۱۳۶۶: ۱۶۸؛ بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۱۸).

کالاهای ولایات ساحلی خزر در داخل قلمرو ایران و از مسیرهای تجاری درون‌مرزی نیز داد و ستد می‌شد؛ چنان‌که مال‌التجاره‌های گیلان از خمامرود و سفیدرود به پل منجیل حمل و از آنجا به قزوین و دیگر مراکز ایران ارسال (اصلاح عربانی، ۱۳۷۲: ۴۹۳/۱) و احتمالاً از آنجا به سلطانیه، اردبیل، شماخی و دربند برده می‌شد (اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۳۴۶-۳۴۱).



تصویر ۲: راه‌های تجاری دوره ایلخانی و تیموری



تصویر ۳: راه‌های تجاری جنوب به شمال

نتیجه

هجوم مغولان به ایران با ویرانی نواحی مختلف همراه بود. در این میان، نواحی جنوبی و غربی دریای خزر نیز از آسیب، قتل و ویرانی در امان نماند. با روی کار آمدن ایلخانان و گذشت زمان، اوضاع اقتصادی و تجارت بهبود یافت و این روند در دوره صفوی به بیشترین حد خود رسید. دولت‌های مزبور از طرق مختلف به برقراری مناسبات بازرگانی با حکومت‌های همجوار و اروپایی می‌پرداختند. مناطق جنوبی و غربی دریای خزر، در دوره مورد بحث، از مهم‌ترین مراکز تجاری به شمار می‌رفتند و بیشتر حجم مبادلات بازرگانی این عصر از طریق این نواحی انجام می‌شد. موقعیت استراتژیک این نواحی بخصوص مناطق اران، شروان و نیز آذربایجان، که شاهراه ارتباطی جنوب به شمال دریای خزر محسوب می‌شدند، باعث شده بود تا کاروان‌های بازرگانی، حین عبور از این نواحی، به داد و ستد نیز بپردازند. کالاهای تجاری نواحی مختلف از طریق خلیج فارس به مناطق جنوبی و غربی دریای خزر منتقل و سپس به مراکز شمالی این دریا چون هشترخان و از آنجا به اروپا منتقل می‌شد.

عبور راه‌های تجاری از نواحی حوزه دریای خزر نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی و تجاری این مناطق داشت؛ چراکه بازرگانان با داد و ستد کالاهای متعدد و خرید تولیدات

نواحی مزبور باعث رشد اقتصادی آنها شده بودند. البته باید اشاره کرد که تولیدات نواحی مزبور همچون ابریشم، برنج و ...، که در بازارهای اروپا چون انگلیس، روسیه و دولت‌شهرهای ایتالیا پرتقاضا بودند، در جذب تجار مؤثر بودند. از مهم‌ترین این کالاها، که بیشترین حجم صادرات ایران در این دوره را به خود اختصاص داده بود، باید از ابریشم نام برد که در نواحی مختلف گیلان، اران و شروان تولید می‌شد.

منابع و مأخذ

- ابن اسفندیار کاتب، محمدبن حسن، ۱۳۸۶، تاریخ طبرستان، جلد اول از ابتدای بنیاد طبرستان تا استیلای آل زیار، تصحیح عباس اقبال، به اهتمام محمدمضانی، تهران.
- اخوی، احمد، ۱۳۶۹، بررسی اقتصادی-بازرگانی منسوجات، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- اسکندربیک ترکمان، محمدیوسف مورخ، ۱۳۱۷، ذیل تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامیه.
- اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی، ۱۳۵۲، تهران: بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا، کتابخانه مرکزی اسناد دانشگاه.
- اشپولر، برتولد، ۱۳۶۵، تاریخ مغول در ایران، سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۲، کتاب گیلان، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، ۱۳۶۷، مرآة البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی، میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۸، تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری، تهران: امیرکبیر.
- اولناریوس، آدام، ۱۳۸۵، سفرنامه، ترجمه و حواشی احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- اینالجعق، خلیل، ۱۳۹۱، امپراطوری عثمانی در عصر دگرگونی تنظیمات، ترجمه رسول عرب‌خانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صفری، بابا، ۱۳۷۰، اردبیل در گذرگاه تاریخ، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- باربارو و دیگران، ۱۳۴۹، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر وویچ، ۱۳۰۸، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران: توس.
- _____، ۱۳۷۵، جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام، ترجمه لیلا ربن شه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۴۸، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: بنگاه مطبوعاتی صیفی علیشاه.
- تکتاندر، ژرژ، ۱۳۵۱، ایتیرسیکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول، ترجمه محمود تفضلی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- پتروشفسکی، ا. ب.، کارل یان، جان ماسون اسمیت، ۱۳۶۶، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه یعقوب آژند، تهران: اطلاعات.
- پتروشفسکی، ا. ب.، ۱۳۹۰، «اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، تاریخ ایران کمبریج، تهران: امیرکبیر.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی، ۱۳۷۶، ترجمه تقویم التواریخ، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: احیاء کتاب.
- خلیفه، مجتبی، زمانه حسن نژاد، ۱۳۹۱، «تجارت در قلمرو باوندیان اسپهبدیه طبرستان (۶۰۶-۴۶۶ق)»، مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۴، ۵۳-۲۷.
- دانش‌پژوه، منوچهر، ۱۳۸۵، بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، فرهنگستان هنر. دوسرسو، ژان آنتونیو، ۱۳۶۴، علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: کتاب‌سرا.
- رابینو، یانست لویی، ۱۳۷۴، ولایات دارالمرز ایران: گیلان، رشت: طاعتی.
- راوندی، مرتضی، ۱۳۶۴، تاریخ اجتماعی ایران، بی‌جا: نگاه.
- رضا، عنایت‌الله، ۱۳۷۵، «اران»، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج. ۷، تدوین محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۴۲۱-۴۲۴.
- رضوی، ابوالفضل، ۱۳۸۸، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: امیرکبیر.
- زارع شاهمرسی، پرویز، ۱۳۸۷، آذربایجان ایران و آذربایجان قفقاز، تبریز: اختر.
- سایکس، سرپرسی، بی‌تا، تاریخ ایران، ترجمه سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: وزارت فرهنگ.
- سیمونز، اریک، ۱۳۶۲، تاریخ تجارت، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- سیوری، دران، دوبروین و دیگران، ۱۳۹۰، صفویان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: توس.
- شاردن، ژان، ۱۳۷۲، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شاو، استنفورد، ۱۳۷۰، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیمل، آنه ماری، ۱۳۸۶، در قلمرو خانان مغول، ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: امیرکبیر.
- طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۴۷، جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان، تهران: شورای مرکزی جنبش شاهنشاهی.
- علی‌اف، ب. م.، اوماخانف، م.، گلنساء یعقوبی، ۱۳۷۸، «روابط مردم داغستان با مردم قفقاز»، ایران شناخت، ش ۱۳، ۳۲۵-۲۹۶.
- عون‌اللهی، سیدآغا، ۱۳۸۷، تاریخ پانصد ساله تبریز، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران: امیرکبیر.

- فرانک، آیرین و دیوید براونستون، ۱۳۷۶، جاده ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۵۳، «تجارت ابریشم در زمان شاه عباس اول»، وحید، ش ۱۲۴، ص ۱۱-۱۶.
- فومنی گیلانی، ملاعبدالفتاح، ۱۳۴۹، تاریخ گیلان، تحقیق منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- قزوی، زکریا بن محمد بن محمود، ۱۹۹۸، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دار صادر.
- کارری، جملی، ۱۳۴۸، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ، ۱۳۸۴، تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، ۱۳۶۹، ده سفرنامه، ترجمه مهرباب امیری، تهران: وحید.
- کلاویخو، روی گونزالس، ۱۳۶۶، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کنتارینی، آمبروسیو، ۱۳۴۹، سفرنامه، ترجمه قدرت الله روشنی، تهران: امیرکبیر.
- لاکهارت، لارنس، ۱۳۸۳، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترنج، گای، ۱۳۶۴، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، ۱۳۶۲، مجمع التواریخ، تصحیح و تحقیق عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری و سنایی.
- مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین، ۱۳۴۵، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تحقیق محمد حسین تسیبچی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مستوفی بافقی، محمد مفید بن نجم‌الدین، ۱۳۹۰، مختصر مفید، به کوشش ایرج افشار، محمدرضا ابونئی مهریزی، تهران: انتشار دکترا محمود افشار.
- مستوفی، محمدحسن، ۱۳۷۵، زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، ۱۳۳۶، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری.
- معطوفی، اسدالله، ۱۳۸۷، گرگان و استرآباد، تهران: حروفیه.
- ملگونف، گریگوری والرینوویچ، ۱۳۶۴، سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، تهران: دادجو.
- مینورسکی، ولادیمیر فتودوروویچ، ۱۳۷۵، تاریخ شروان و دربند، ترجمه محسن خادم، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- مینورسکی، و. ف.، ۱۳۸۷، شاهان شروان و امیران دربند: تاریخ شروان و دربند سده چهارم هجری، روایتی از تاریخ الباب با شرح و توضیح جغرافیایی قوم‌شناختی، تاریخی و اجتماعی، ترجمه محسن خادم، تهران: کتاب مرجع.
- نوابی، عبدالحسین، ۱۳۶۳، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

نوری، نظام‌الدین، ۱۳۸۶، «وجه تسمیه مازندران و طبرستان»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۸، شماره ۳، ۱۹۳-۲۰۲.

واله اصفهانی، محمدیوسف، ۱۳۸۲، ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (جلد برین)، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.

